

The Importance of Linguistic and Extra Linguistic context in Analyzing Modal Structures

Abstract

Researchers have studied mood and modality in Persian in various aspects. However, mood and modality may not be sufficiently examined in the discursive context. This article endeavors to investigate mood and modality in contexts, and elaborate on the linguistic factors that create modal meaning. To do so, it brings up examples from Goli Taraghi's short stories. It explains mood and modality as means for discourse analysis, and manifests how they can reveal the identity and values of speakers or writers. The discursive context is highlighted to determine modal meanings. Mood and modality is to transfer a speaker's attitude toward propositions. Although modal elements are emerged from morpho-syntactic structures, the context plays a major role in determining the modal meaning. Three layers determine the modal meaning: the systematic meaning of the modal, the modal contextual meaning in combination with other sentence constituents, and the pragmatic and interpersonal meaning which depends on linguistic and nonlinguistic elements and politeness.

Keywords: Context, Discourse, Mood, Modality, Goli Taraghi



اهمیت بافت زبانی و فرازبانی در تحلیل معنای وجهی

چکیده

محققان بسیاری به مسئله وجه و وجه‌نمایی در زبان فارسی توجه کرده‌اند، با این حال نقش بافت زبانی و فرازبانی در تعیین معنای وجه و وجه‌نمایی بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله سعی بر آنست که وجه و وجه‌نمایی در بافت گفتمانی بررسی شود و عوامل زبانی و گفتمانی که باعث ایجاد معنای وجهی می‌شود بیان گردد. بدین منظور وجه و وجه‌نمایی در حدود ده هزار جمله از کتابهای خانم گلی ترقی نویسنده معاصر ایرانی بررسی شد تا نقش بافت پاره‌گفتار در تعیین معنای عناصر وجهی مشخص شود. وجه و وجه‌نمایی انتقال منظور و نگرش گوینده در محتوای گزاره‌ای پاره‌گفتار است. بر اساس این مقاله مشخص شد که اگرچه پایه وجه‌نمایی در ساختار واژگان-دستور زبان شکل می‌گیرد، اما آنچه اهمیت دارد بستر جمله و بافت کلی پاره‌گفتار است که معنای ساخت‌های وجهی را تعیین می‌کند و معنای ساخت‌های وجهی در تعامل بین لایه‌های معنایی مرتبط شکل می‌گیرد. کاربرد این پژوهش در نقد زبان‌شناختی و تحلیل متن بر اساس وجه و وجه‌نمایی بر اساس زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی است.

کلیدواژه‌ها: وجه، وجه‌نمایی، بافت، گفتمان، زبان فارسی.

۱- مقدمه

اگر معتقدیم که کاربرد زبان مهم است بنابراین وجه و وجه‌نمایی را هم باید در کاربرد بررسی کنیم. یعنی باید نقش وجه و وجه‌نمایی در جمله و هدف نویسنده از کاربرد وجه و وجه‌نمایی برای القای معنا مورد توجه قرار گیرد. از این رو عوامل زبانی و گفتمانی که باعث ایجاد معنای وجهی می‌شود مطرح می‌گردد. آنچه مورد توجه است اهمیت بافت پاره‌گفتار در تعیین معنای وجهی جملات است. در نتیجه سعی بر آن است که وجه و وجه‌نمایی با دیدگاهی گفتمان‌بنیاد بررسی شود چون وجه و وجه‌نمایی انتقال منظور و نگرش گوینده در محتوای گزاره‌ای پاره‌گفتار است. به عبارت دیگر، گرچه پایه وجه‌نمایی در ساختار واژگان-دستور زبان شکل می‌گیرد، اما آنچه اهمیت دارد بستر جمله و بافت کلی پاره‌گفتار است که معنای افعال وجهی را تعیین می‌کند و معنای افعال وجهی در تعامل بین لایه‌های معنایی مرتبط شکل می‌گیرد.

«وجه‌نمایی»^۱ به طور سنتی تنها در افعال وجهی بررسی می‌شد. در حالی که سایر افعال و اجزای جمله قابلیت آنرا دارند که به بازنمایی و وجه‌نمایی پردازند. در سال‌های اخیر وجه و وجه‌نمایی مورد توجه محققان ایرانی قرار گرفته است، اما ضرورت درک معنای این مفاهیم با توجه به عوامل بافتی زبانی و فرازبانی نیز شایان توجه است.

به طور کلی، «وجه»^۲ و «وجه‌نمایی» به هم مربوطند. این امر که در متون زبانشناسی این دو در کنار هم به کار می‌روند، نشانگر ارتباط این دو با یکدیگر است. دو نکته در زمینه «وجه» و «وجه‌نمایی» قابل ذکر است. اول آنکه در طول تاریخ جایگاه «وجه» و «وجه‌نمایی» تغییر کرده است. در ابتدا «وجه» که اصطلاحی قدیمی تر است توصیف و تحلیل شده است. در اما در سال‌های اخیر «وجه‌نمایی» توجه بیشتری را به خود معطوف کرده است. دوم آنکه مفهوم و مرجع «وجه‌نمایی» تقریباً یکسان بوده، و شامل حیطه معنایی توانایی، نیاز، ظرفیت،

^۱ Modality

^۲ Mood

وظایف، و برداشت شخصی است. اما اصطلاح «وجه» پدیده‌های زبانشناسی گوناگونی را شامل می‌شود. «وجه‌نمایی» در معنای خاص به زیر شاخه معنایی حیطه بزرگ‌تر کیفیت وقوع امور اشاره می‌کند، و در کنار زمان و نمود قرار می‌گیرد. بایی و فلاشمن^۱ (۱۹۹۶، ص. ۱۷۶) معتقدند که امکان ندارد در مورد حیطه وجه‌نمایی به یک جمع‌بندی مختصر و موجز رسید. نایتس^۲ (۲۰۰۱) نیز این نظر را منطقی می‌داند. این بدین معناست که وجه‌نمایی پدیده‌ای پیچیده است که به آسانی جمع‌بندی نمی‌شود، حال آنکه در مورد زمان و نمود می‌توان به یک جمع‌بندی اجمالی رسید. از طرف دیگر به نظر ون‌دراورا^۳ (۱۹۹۶) وجه‌نمایی اصطلاحی کلی است که شامل بیان امکان و الزام می‌شود. در این دیدگاه مفهوم وجه‌نمایی یک ابرگروه است که امکان و الزام را در برمی‌گیرد.

در این تحقیق برآنیم که نشان دهیم چه عناصری قابلیت بیان وجه‌نمایی را دارند و بافت موقعیتی گفتمان در تبیین معنای عناصر وجهی تا چه اندازه نقش دارد. در عین حال سه فعل وجهی متداول باید، شدن و توانستن برای چه نوع وجه‌نمایی در این متون به کار رفته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و بدین منظور چهار اثر از ترقی مورد توجه قرار گرفت. گلی ترقی از نویسندگان معاصر است که در داستان‌هایش به مشکلات و دغدغه‌های دنیای امروز می‌پردازد. سبک نگارش ایشان بسیار شیوا و روان است و در این داستان‌ها زبان نوشتار و محاوره در هم آمیخته است. از این رو این داستان‌ها به عنوان نمونه‌ای برای بررسی وجه و وجه‌نمایی در بافت مورد توجه نویسندگان مقاله قرار گرفتند. ابتدا جملات دارای وجه‌نمایی در چهار کتاب ترقی شناسایی و معنای آنها مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب، جملاتی که دارای وجه‌نمایی بود استخراج و بررسی معنایی آنها در بافت داستان مورد توجه قرار گرفت.

^۱ Bybee & Fleischman

^۲ Nuyts

^۳ Van der Auwera

۲- پیشینه تحقیق

نقش گرایی تأثیر شگرف و بی‌بدیلی بر مطالعه و بررسی «وجه‌نمایی» داشته است. بایی و فلايشمن (۱۹۹۵) معتقدند که «وجه‌نمایی» در بافت تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و مطالعات زبان‌شناختی «وجه‌نمایی» باید با توجه به نقش و کاربرد اصطلاحات وجهی انجام شود (ص. ۳). به طور سنتی «وجه» به عنوان بخشی از دستور زبان و افعال وجهی به صورت اصطلاحات وجهی دستوری شده بررسی می‌شدند. نایتس (۲۰۰۱) نگاه متفاوتی به جنبه نقشی وجه‌نمایی معرفتی داشت و بیان کرد که وجه‌نمایی می‌تواند به صورت قیده‌های وجهی، صفات وجهی، گزاره‌های بیان وضعیت ذهنی هم باشد (نایتس، ۲۰۰۱، ص. ۲۹). پیش از وی، پرکینز^۱ (۱۹۸۳) دسته‌ای از اصطلاحات وجهی و رای افعال وجهی را شناسایی کرد که شامل افعال نیمه‌وجهی، عبارات اسمی وجهی، قیده‌های وجهی و افعال واژگانی است. بنا به نظر پرکینز، هرگز دو اصطلاح وجه‌نما هم معنی نیستند (ص. ۲). اما هانستن^۲ (۲۰۱۱) بر این باور است که عبارات وجه‌نما در بافت باید شناسایی شوند. در واقع، ملاک این است که بافت معنای وجهی داشته باشد (ص. ۶).

در زبان فارسی اخلاقی (۱۳۸۶) سه فعل وجهی «بایستن»، «توانستن» و «شدن» را به عنوان سه فعل وجهی در فارسی امروز برای بیان امکان و الزام در وجه برداشتی، درخواستی و توانمندی می‌داند. پس از بررسی چندین پیکره زبانی نتیجه می‌گیرد که «بایستن» تنها فعل وجهیست که برای بیان الزام به کار می‌رود، و «توانستن» و «شدن» برای بیان امکان به کار می‌رود.

رحیمیان و عموزاده (۱۳۹۲) افعال وجهی «باید»، «توانستن» و «شدن» را بر اساس درجه و نوع توصیف و تحلیل کردند. به نظر آنها، «باید» برای بیان وجهیت معرفتی، وجهیت پویا و

^۱ Perkins

^۲ Hansten

وجهیت الزامی به کار می‌رود و «شدن» و «توانستن» نیز برای بیان وجهیت معرفتی، وجهیت الزامی و وجهیت پویا استفاده می‌شود اما بافت موقعیتی و ابعاد کاربرد شناختی در این امر نقش دارد.

ایلخانی‌پور (۱۳۹۴) با تأکید بر اینکه وجه‌نمایی مقوله‌ای زبانی است که می‌تواند به لحاظ معنایی، نحوی، کاربردشناسی و ساخت‌وازی مطالعه شود، پیوستار نیروی وجه را در فارسی که یکسر آن الزام و سر دیگر آن امکان است را ترسیم می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که صفات وجهی دربردارنده مفاهیم وجهی‌اند و ابزار بازنمایی وجه‌نمایی زیرجمله‌ای هستند که یک گروه اسمی را توصیف می‌کنند، یا تنها با حضور در ساختمان افعال مرکب وجهی (مانند ممکن بودن) در بازنمایی جمله نقش بازی می‌کنند. وی همچنین بر اساس نظر کراتسر^۱ به بررسی سه بعد معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب در صفات وجهی فارسی می‌پردازد.

۳- مبانی نظری

در دستور نقش‌گرای نظام مند^۲، وجه و وجه‌نمایی بر اساس فرانشهای^۳ زبانی مختلف توصیف می‌شود. هالیدی بین سه فرانش بینافردی^۴، متنی^۵ و تجربی^۶ تمایز قایل می‌شود و وجه‌نمایی را برخاسته از فرانش بینافردی می‌داند. هدف وجه‌نمایی پیاده‌سازی و حفظ روابط اجتماعی به منظور بیان نقش‌های اجتماعی است که شامل نقش‌های ارتباطی می‌شود و مسئله اصلی تعامل بین افراد است (هالیدی، ۲۰۱۴، ص. ۱۳۴).

^۱ Kratzer

^۲ Systemic Functional Grammar

^۳ Metafunction

^۴ Interpersonal

^۵ Textual

^۶ Experiential

فرانقش بینافردی با روابط اجتماعی و شرکت هر یک از سخن‌گویان در کنش‌های گفتاری شکل می‌گیرد. وجه^۱ که در دستور نقش‌گرای نظام‌مند با حروف بزرگ نوشته می‌شود بیانگر انتخاب در دادوستد اطلاعات در یک عبارت است. در واقع، با اصولی سر و کار دارد که باعث انتخاب بین جمله خبری و امری، اخباری یا پرسشی می‌شود. برای مثال در جمله اخباری‌گوینده به مخاطب اطلاعات می‌دهد و در جمله پرسشی‌گوینده به دنبال اطلاعات است. وجه‌نمایی با نظام وجه در ارتباط تنگاتنگ است و در جملات خبری نشان‌دهنده نظر گوینده نسبت به جمله است اما در جملات پرسشی درخواستی برای پی‌بردن به نظر شنونده است بنابراین بنیان وجه‌نمایی در آغاز نقش تبادلی شکل می‌گیرد (هالیدی و متیسون، ۲۰۱۴، ص. ۱۷۷). در عین حال جمله با حداکثر وجه‌نمایی از جمله بدون وجه‌نمایی قطعیت کمتری دارد. هالیدی و متیسون از واژه‌های فلسفی وجه‌نمایی معرفتی و تکلیفی اجتناب کردند، اما در عوض وجه احتمالی-عادی^۲ که تقریباً معادل وجه‌نمایی معرفتی است، و وجه اجباری-تمایلی^۳ که تقریباً نشانگر اجبار و تمایل است را معرفی کردند (هالیدی و متیسون، ۲۰۱۴، ص. ۱۷۷).

وجه احتمالی-عادی با گزاره و نقش عبارت در انتقال پیام سر و کار دارد. گزاره می‌تواند تأیید یا رد شود. آنچه نظام وجه‌نمایی را تشکیل می‌دهد میزان درجه اطمینان بین «بله» و «خیر» است. دو نوع امکان وجود دارد درجه‌ی احتمال (احتمالاً، قطعاً، بی تردید) و درجه‌ی عادت (گاهی، معمولاً، همیشه) (هالیدی و متیسون، ۲۰۱۴، ص. ۱۷۷).

سلسله مراتب وجه‌نمایی یعنی میزان جبر و تمایل در پیشنهادات یعنی عبارتی که به جای تبادل اطلاعات با تبادل کالا و خدمات در ارتباط است. عبارت سلسله مراتب وجه‌نمایی

^۱ MOOD

^۲ Modalization

^۳ Modulation

می تواند شامل کسب اجازه و خواهش، درخواست از مخاطب و یا پیشنهادی برای انجام کاری به همراه مخاطب باشد.

هالیدی و متیسون (۲۰۱۴) نشان می دهند که چگونه «احتمالات» به صورت نظامی منسجم دسته بندی می شود. احتمالات توسط «عملگر وجه نمای محدود در گروه فعلی» مثل فعل کمکی و یا «افزوده وجه نما» مثل «احتمالاً» بیان می شود.

جدول (۱) جدول الگوی احتمال

جدول الگوی احتمال			
قطعیت	باید درست باشد	قطعاً درست است	قطعاً باید درست باشد
احتمال	درست خواهد بود	احتمالاً درست است	احتمالاً درست خواهد بود
امکان	می تواند درست باشد	ممکن است درست باشد	شاید بتواند درست باشد

احتمال با سه درجه قطعیت همراه است. در عین حال مسئله بیان عینی بودن در برابر فردبنیاد بودن مطرح می شود. در دیدگاه فردبنیاد و مغرضانه اصطلاحات خاصی به کار می رود، در مقابل بیان وجه نمایی به طور عینی و واقع گرایانه با اصلاحات دیگری همراه است. این تمایز بین صفات و قیدهای وجه نما هم وجود دارد مثلاً «مطمئنم» که بیان وجه نمایی به صورت فردبنیاد است در برابر «بی تردید» که بیان وجه نمایی به صورت عینی است. هالیدی و متیسون به تمایز دیگری نیز اشاره دارند. هنگامی که گوینده می گوید «مطمئنم»، منبع

قضاوت شخص مشخص است، اما وقتی می‌گویند «بی تردید» و «به وضوح» منبع عقیده نامشخص است.

جدول (۲) تمایز الگوی وجه‌نمایی

جدول تمایز الگوی وجه‌نمایی		
عینی	فردبنیاد	
مطمئنم که.... قطعاً		اشاره مستقیم
جای هیچ تردیدی نیست	باید	به طور تلویحی

بر اساس نظام وجه‌نمایی هلیدی بیان وجه‌نمایی به صورت‌های مختلفی انجام می‌شود، چون هر نوع آن به گونه‌ای بر جمله و گفتمان اثرگذار است.

۴- اهمیت مسئله «بافت زبانی و فرازبانی» در تعیین معنای وجهی زبان منبع اصلی تولید معناست و روند تولید معنا در بافت است. گویندگان و نویسندگان متن را تولید و شنوندگان و خوانندگان آن را تفسیر می‌کنند. پس متن عملکرد زبان در بافت است. در هر زبان مرتبه‌ای برای دستور است که از سطح تکواژ شروع و سپس به ترتیب به سطح کلمه، گروه و در نهایت بند می‌رسد. هر واحد در هر مرتبه با هم ترکیب می‌شود تا ترکیبات پیچیده را بوجود آورد. بند واحد اصلی در سطح واژیه‌دستوری است. نظام‌های اصلی بند: آغازگر^۱، وجه و گذرایی^۲ است. بدین ترتیب، وجه به عنوان یکی از نظام‌های اصلی بند نقشی مهم و اساسی دارد. وجه عاملی برای تولید معناست در عین حال در توصیف

^۱ Theme

^۲ Transitivity

گروه‌های دستوری نیز نقش دارد. به دلیل ارتباطات معنایی، توضیح وجه‌نمایی در سطح معنایی خلاصه نمی‌شود بلکه باید آنها را در تمام سطوح دستوری و حتی فراتر از آن در سطح گفتمان بررسی کرد. بدین معنا که وجه‌نمایی باید از نظر ساختاری در دو محور هم‌نشینی و جانشینی بررسی شود، در لایه‌های مختلف دستوری و معنایی و در سطح فرانشی بینافردی مورد بررسی قرار گیرد و ارتباط آن با دو فرانشی دیگر یعنی فرانشی متنی و تجربی تحلیل شود. نظام وجه در سطح متنی با شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد و الگوی معنایی بین شرکت‌کنندگان تبلور پیدا می‌کند. بدین ترتیب، حرکت تعاملی در سطح معنا رخ می‌دهد. دو حرکت تعاملی اصلی به صورت خبر و امر است. اما ساختار اصلی وجه است که در این حرکت تعاملی و معنایی نقش دارد. ساخت در ترتیب هم‌نشینی الگوها نقش دارد اما نظام در جانشینی الگوها نقش دارد. زبان منبع تولید معناست و معنا در الگوهای نظام‌مند انتخاب شکل می‌گیرد. پس در نظام وجه نظام و ساخت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد. بنابراین، هر لحظه از انتخاب به شکل‌گیری ساخت کمک می‌کند. از این رو، در تحلیل وجه و وجه‌نمایی ساماندهی نقشی هر ساخت وجه‌نما باید بررسی و انتخاب‌های معنادار تحلیل شود.

وجه در رویکرد نقش‌گرایی هلیدی در ذیل فرانشی بینافردی توصیف می‌شود و این فرانشی مربوط به تبادل کالا و خدمات یا اطلاعات است. بدین ترتیب، چهار نقش اصلی گفتاری پیشنهاد، امر، خبر و سؤال شکل می‌گیرد (هلیدی و متیسون، ۲۰۱۴، ص. ۱۳۵). یعنی در مورد نوع وجه جمله، رویکرد نقش‌گرا دو وجه جمله اصلی خبری و امری را مد نظر قرار می‌دهد که وجه جمله خبری به دو نوع بیانی و پرسشی تقسیم می‌شود. انسان برای گزارش محیط اطراف خود وجه خبری را به کار می‌برد تا واقعیات جهان را بیان کند. در حقیقت، در جمله خبری مقصود گوینده، اطلاع دادن به مخاطب است.

(۱) ماه‌سیما را جلوتر از خودم می‌فرستم تا ببینم چه بر سرش می‌آید (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۷).
در جمله پرسشی گوینده به دنبال اطلاعات است.

(۲) می‌ماند در تهران یا برمی‌گردد به پاریس؟ (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۷)
وجه امری هم برای وادار کردن به انجام کار است. بنابراین گوینده باید در جایگاهی باشد که بتواند به مخاطب دستور دهد.

(۳) تو هم برو خانه‌ات را بفروش، پولش را خارج کن و برگرد (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱).
در جمله تعجبی ارزشیابی گوینده در مورد کسی یا چیزی مطرح می‌شود.
(۴) «چه گلای قشنگی! چه بچه‌های با فکر و مهربونی!» (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۵۲)
البته دو جمله امری و خبری با وجه‌نمایی تکلیفی می‌توانند معنای یکسانی داشته باشند. به مثال زیر توجه کنید:

(۵) «باید کیف دستی‌ات را نشان بدهی.» (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱)
این جمله از نظر معنایی با جمله امری «کیف دستی‌ات را نشان بده.» هم معناست. به مثالی دیگر توجه کنید:

(۶) سلام نکرده می‌خوای با حوری حرف بزنی؟ (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳)
جمله (۶) با اینکه در ظاهر سؤالی است اما در حقیقت بیانگر نارضایتی گوینده است. مخاطب تماس می‌گیرد و از گوینده می‌پرسد که همسرش خانه است یا نه. گوینده نیز در ابتدا برای بیان نارضایتی خود به جای پاسخ به پرسش وی اینگونه پاسخ می‌دهد. بدین ترتیب، دریافت منظور واقعی گوینده تنها در بافت گفتمانی امکان‌پذیر است.

بررسی جملات فارسی دارای عناصر وجهی نشان می‌دهد که در زبان فارسی معانی و تعبیر وجهی به بافت کلام وابسته است و عنصر وجه‌نمای جمله اگر در بافت نباشد بیش از یک تعبیر دارد. بنابراین باعث ایجاد ابهام معنایی برای مخاطب می‌شود. بدین ترتیب که در زبان فارسی هر عنصر وجهی با توجه به بافت، نوع خاصی از وجه‌نمایی را نشان می‌دهد. در ادامه معانی تعدادی از عناصر وجهی متداول را در بافت بررسی می‌کنیم.

۴-۱- معانی «باید»

رایج ترین عنصر وجهی در زبان فارسی «باید» است، این کلمه به صورت فعل وجهی فاقد ویژگی‌های تصریفی است. البته صورت «می‌باید»، «بایست» و «می‌بایست» هنوز کاربرد دارد. این فعل دارای کاربرد فراوان است. پس از این فعل وجهی، وجه فعل التزامی یا استمراری به کار می‌رود.

(۷) می‌بایست محتویاتش را با دقت بررسی کنند (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۴۶).

از نظر معنایی، «باید» اغلب برای وجه‌نمایی تکلیفی به کار می‌رود و بیانگر ارزش‌های گوینده نیز هست. برای روشن شدن مطلب به مثال زیر بنگرید:

(۸) باید برمی‌گشت (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۶).

«باید» در اینجا بیانگر وجه‌نمایی تکلیفی است. ماه‌سیما، شخصیت داستان «بازگشت»، احساس بیگانگی می‌کند. در عین حال می‌خواهد به وضعیت قبل از مهاجرت برگردد. بنابراین بازگشت برایش ارزشمند می‌شود و احساس می‌کند که الزاماً با بازگشت به ایران می‌تواند موقعیت سابق را کسب کند. منبع تکلیف درونی و براساس احساسات ماه‌سیماست.

(۹) باید توضیح می‌داد. باید پیوسته خودش را به آدم‌ها - به همسایه‌ها - به شهرداری محله - به اداره اتباع خارجی معرفی می‌کرد (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵).

منبع ضرورت و الزام در مثال (۹) خارجی است. یعنی همسایه‌ها، شهرداری و اداره اتباع خارجی فرد را مجبور به توضیح و معرفی می‌کردند.

(۱۰) «نه، نمی‌تونم اینجا بمونم. دق می‌کنم. باید برگردم. باید.» (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳)

در مثال (۱۰)، «باید» بیانگر نیاز و وجه‌نمایی پویاست. یعنی شرایط او را به سمت بازگشت هدایت می‌کنند و راوی احساس می‌کند که نمی‌تواند بماند. چون دق می‌کند نیاز دارد که برگردد.

(۱۱) تو باید بدانی (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۸).

جمله بالا در بافتی به کار می‌رود که مخاطب از نویسنده انتظار دارد به عنوان فردی عالم پاسخ سؤال را بداند. بنابراین وجه‌نمای احتمالی است.

(۱۲) هزار باید و نباید و شاید به این «اما»، به این سه حرف کوچک، آویزان بود(ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲).

در مثال (۱۲) «باید» به عنوان اسم وجهی به کار رفته است. ماه‌سیما می‌خواهد برگردد، ولی تعهدات و ارزش‌های خودش و دو جامعه هدف و مقصد چون سدی در برابرش نمایان می‌شود.

با توجه به آنچه شرح داده شد صورت وجهی «باید» می‌تواند برای بیان هر سه نوع وجه‌نمایی مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، تفسیر و تعبیر «باید» تا حد زیادی به بافت زبانی و غیر زبانی بستگی دارد و برای درک دقیق منظور گوینده الزاماً باید به بافت گفتمان توجه داشت.

۴-۲- معنای وجهی «شدن»

فعل وجهی «شدن»، تنها به صورت سوم شخص مفرد استفاده می‌شود. از نظر زمان دستوری اغلب به صورت غیرگذشته و گاهی نیز به صورت گذشته به کار می‌رود. کاربرد این فعل در گفتمان غیررسمی است. یکی از کاربردهای این فعل وجهی استفاده آن در وجه‌نمایی احتمالی است؛ زمانی که فرد با توجه به برداشت شخصی، تحقق یک رخداد را با استنباط خود امکان‌پذیر می‌داند.

(۱۳) چگونه می‌شود کمتر پول آب و برق و تلفن داد... (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶)

(۱۴) کی می‌شد دوباره از این خوابها دید؟ (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱)

کاربرد این فعل در مثال (۱۵) بیانگر عدم امکان است.

(۱۵) نمی‌شد به آینده اعتماد کرد (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶).

(۱۶) «غدغن است. نمی‌شود.»

«غدغن نیست. می‌شود.» (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۳۷)

«شدن» در مثال (۱۶) به معنی اجازه داشتن و بیانگر وجه‌نمایی اجباری بر اساس مقررات اجتماعی است. مأمور گمرک می‌گوید این دارو غدغن است و اجازه ورود ندارد.

۳-۳- معانی وجهی «توانستن»

«توانستن» فعل وجهی است که قابل تصریف است و در بافت رسمی و غیررسمی کاربرد فراوان دارد. به طور کلی، این فعل برای بیان وجه‌نمایی پویا به کار می‌رود اما از این فعل برای بیان وجه‌نمایی احتمالی و اجباری هم استفاده می‌شود.

(۱۷) خودش را کشته بود تا بتواند دکترای حقوق بگیرد (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳).

این مثال در بافتی رخ می‌دهد که فرد با تلاش و زحمت فراوان قادر شده بود در نهایت مدرک دکترای خود را بگیرد. بنابراین در این مثال «توانستن» بیانگر توانایی و وجه‌نمایی پویاست.

(۱۸) «آیا می‌توانم جایم را عوض کنم؟» (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۱۶)

این پرسش در بافتی است که راوی از مهماندار هواپیما اجازه می‌گیرد که جایش را عوض کند. در اینجا «توانستن» برای کسب اجازه استفاده شده است. بنابراین نشانگر وجه‌نمای اجباری-تمایلی است.

(۱۹) می‌توانست چند تکه از زمینهای شمال یا بخشی از زمین ورامینش را بفروشد (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹).

مثال (۱۹) در بافتی است که فرد امکان فروش زمین‌ها را برای رهایی از مشکلات مالی در نظر می‌گیرد. «توانستن» در این مثال بیانگر امکان و احتمال فروش است که نشاندهنده‌ی وجه‌نمای احتمالی است. بنابراین همانطور که از مثالهای این بخش نشان داده شد بافت گفتمان نقش بسزایی در تمایز معنایی افعال وجهی دارد و افعال وجهی در بافت گفتمان مختلف، وجه‌نمایی‌های گوناگون را نشان می‌دهند.

۵- بررسی عناصر وجهی در بافت

به طور کلی، تعیین معنای دقیق عناصر وجهی با توجه به بافت پاره گفتار میسر است. به علاوه، در بررسی وجه‌نمایی تنها به افعال وجهی نباید بسنده کرد بلکه باید سایر عناصر وجهی را نیز

مد نظر قرار داد. برای روشن شدن مطلب، انواع عناصر وجهی و مفاهیم دستوری مرتبط با وجه‌نمایی به ترتیب در بخش‌های ۵-۱ تا ۷-۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵-۱- قیدهای وجهی

قیدهای وجهی می‌توانند به صورت افزوده به جمله متصل شوند.

(۲۰) هیچ کس حاضر به جراحی و احتمالاً قطع کردن پای او نیست (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۰).

در مثال بالا، وجه‌نمایی احتمالی به صورت قید بیان شده است. «هیچ کس» بیانگر قطبیت منفی جمله فوق است. موضوع از این قرار است که پای پدر خانواده به دلیل بیماری قند دچار قانقاریا شده است، اما پزشکان ایرانی در آن زمان جسارت این جراحی را ندارند.

(۲۱) انگار به پایش احتیاج ندارد (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۰).

جمله فوق هم بیانگر وضعیتی غیرواقعی و فرضی است و نشاندهنده کم اهمیت بودن مسئله برای پدر خانواده است. البته شاید هم نشانگر یأس پدر و احتمال این است که جراحی بی‌فایده است. برای درک این موضوع، عوامل بافتی زبانی و فرازبانی کمک کننده است.

۵-۲- گروه وجهی

گروه‌های وجهی نیز به صورت افزوده بیانگر رأی و نظر گوینده‌اند.

(۲۲) به نظرم بچه‌اش مرده است (ترقی، ص. ۳۵، ۱۳۴۸).

این جمله در بافتی بیان می‌شود که گوینده از پنجره شاهد ازدحام در کوچه و گریه و شیون همسایه است. از شدت گریه و زاری آنها، چنین استدلال می‌کند که بچه مرده است. در ادامه هم می‌گوید: «چه بچه خوشگلی بود. تازه راه افتاده بود.» در حقیقت، گروه وجهی بیانگر وجه‌نمایی و میزان احتمال از نظر گوینده است.

۵-۳- صفات اسنادی وجهی

صفات اسنادی وجهی که گاهی برخی از آنها به عنوان فعل مرکب وجهی هم نام برده‌اند می‌توانند بیانگر وجه‌نمایی باشند.

(۲۳) مطمئن شد که سی و نه سال دارد (ترقی، ۱۳۴۶، ص. ۱۱).

(۲۴) هر چیزی ممکن است (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱).

برای دانستن این که «واقعاً چه چیزی ممکن است» به بافت نیاز است. نویسنده در حال خروج از کشور است و می‌ترسد چیزی کم یا زیاد باشد یا مهری در پاسپورتش نخورده باشد و نگذارند از کشور خارج شود. در واقع، آن چیزی که ممکن است، عدم امکان خروج از کشور است. در این مثال، «ممکن» بیانگر وجه‌نمایی احتمالی است.

۵-۴- افعال واژگانی وجهی

افعال واژگانی نیز می‌توانند بیانگر وجه‌نمایی باشند.

(۲۵) حس کرد که پوستش یک مرتبه گر گرفته است (ترقی، ۱۳۴۶، ص. ۱۱).

(۲۶) دید که فایده ندارد (ترقی، ۱۳۴۶، ص. ۱۱).

فعل واژگانی «دید» در مثال (۲۶) از افعال حسی و ذهنی وجه‌نماست که به معنای «درک کردن» است و برای بیان وجه‌نمایی احتمالی استفاده شده است. اما این جمله در بافتی اتفاق می‌افتد که گوینده در راهبندان گیر کرده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند از آن خلاص شود. بنابراین متوجه می‌شود که جلو و عقب کردن ماشین و حرص خوردن فایده ندارد. بنابراین ماشین را خاموش می‌کند و انتظار می‌کشد.

۵-۵- زمان دستوری

زمان دستوری هم می‌تواند بیانگر وجه‌نمایی باشد. برای روشن شدن مطلب، به مثال زیر توجه کنید:

(۲۷) گنج می‌شود. مبهوت نگاهم می‌کند. سر از حرفهایم در نمی‌آورد (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۵۴).

در این مثال، از زمان مضارع اخباری برای توصیف حوادث گذشته استفاده می‌شود. حال تاریخی موقعیتی که در گذشته رخ داده است را به گونه‌ای برای مخاطب به تصویر می‌کشد که گویی شاهد آن است. این مثال در بافتی است که نویسنده در هواپیما به اناربانو توضیح می‌دهد که برای رفتن به سوئد باید در فرانسه پیاده و دوباره سوار هواپیما بشود، اما او متوجه منظورش نمی‌شود.

۵-۶- نمود

نمود نیز می‌تواند بیانگر وجه‌نمایی باشد.

(۲۸) دارم می‌روم تا با بقال سر کوچه درد دل کنم... دارم می‌روم تا سرم را بگذارم روی زانوی چرب و کبره گرفته مادرم و گریه کنم، دارم می‌روم تا برای خواهرهایم تعریف کنم... (ترقی، ۱۳۴۶، ص. ۴۵)

در مثال بالا، نمود ناقص تصویری مجازی برای مخاطب ایجاد می‌کند. زن می‌خواهد همسر را ترک کند و تمام کارهایی که همسرش ممنوع کرده است را انجام دهد. بنابراین با نمود ناقص موقعیتی غیرواقعی را به تصویر می‌کشد و بیانگر وجه‌نمایی احتمالی است.

۵-۷- نشانه‌های طفره‌روی

این نشانه‌ها هم می‌توانند بیانگر وجه‌نمایی و دیدگاه گوینده باشد.

(۲۹) «یا ابوالفضل» (ترقی، ۱۳۷۹، ص. ۶۵)

برای درک منظور مثال فوق به بافت نیاز است. نویسنده از اناربانو می‌خواهد بلند شود، اما وی در پاسخ می‌گوید «یا ابوالفضل» که بدین معناست که نمی‌تواند بلند شود. بنابراین مثال (۲۹) بیانگر وجه‌نمایی پویاست.

(۳۰) «ای بابا، دلت خوشه. کدوم پرنده؟» (ترقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹)

برای درک معنای «ای بابا» که به جای وجه‌نمایی عادت‌ی «اصلاً» آمده است به بافت نیاز است. ماه سیما از خاطرات آواز پرندگان می‌گوید و دختر خاله بیان می‌کند که چنین موقعیتی دیگر وجود ندارد.

در نهایت حتی لحن گفتاری هم می‌تواند بیانگر وجه‌نمایی باشد، و هنوز هم عناصر دیگری این قابلیت را دارند که به بیان وجه‌نمایی پردازند. بدین ترتیب گوینده از شگردهای مختلف بهره می‌جوید تا نظر خود نسبت به جمله را بیان کند و این تنوع بیان وجه‌نمایی در زبان فارسی هنوز هم ممکن است شامل انواع دیگر باشد که نشان می‌دهد نظام وجه‌نمایی در زبان فارسی بسیار پیچیده و متنوع است و گویندگان از ابزارهای متعدد برای این منظور سود می‌برند. بدین ترتیب، نظام وجه‌نمایی با امکانات ترکیبی نامحدود در بافت گفتمان تبلور پیدا می‌کند. از اینرو تنها در بافت زبانی و فرازبانی می‌توان به عمق معنا و منظور گوینده یا نویسنده پی برد. چون بافت زبانی و فرازبانی یک خوانش را برجسته می‌کند. یعنی صرفاً نمی‌توان به صورت بسنده کرد و صورت به عنوان بخشی از بافت زبانی از میان بیش از یک خوانش خارج از بافت، خوانش مد نظر نویسنده یا گوینده را برجسته می‌کند.

۶- معنای وجهی بافت بنیاد

معانی وجهی با افزودن بافت‌های مختلف تنوع بیش‌تری پیدا می‌کند و دریافت معنای واقعی آن در بافت گفتمانی امکان‌پذیر است. یعنی برای بررسی معنای واقعی وجه‌نمایی باید به حیطه بزرگ‌تری از بند نظر داشت.

معنای وجه‌نمایی در بافت پاره گفتار و بر اساس نقش بینافردی شکل می‌گیرد. یعنی

سه لایه در تعیین معنای وجه‌نمایی نقش دارد:

۱- معنای نظام مند وجه‌نما

۲- معنای بافتی وجه‌نما در ترکیب با سایر عناصر جمله

۳- معنای کاربردشناختی یا بینافردی که علاوه بر عوامل زبانی متکی بر عوامل غیرزبانی و رعایت آداب و حفظ آبروست. میزان رسمی بودن به وضعیت روانی گوینده نسبت به مخاطب وابسته است بنابراین به نگرش گوینده در زمان و مکان اجتماعی خاص برمی گردد. در داستان «میعاد» راوی دختری ۳۵ ساله است که در سازمان برنامه و بودجه مشغول به کار است. مکان و موقعیت داستان به ترتیب در کافی شاپ، خیابان، خانه مادری، اداره، و خانه مادر بزرگ است. شخصیت‌های داستان دختر، دوستش مینا، رئیسش، مادر بزرگ، مادر، پدر، خواهر، برادر، مهری و بچه‌هایش است. این دختر مدتی است که به فکر نگارش کتابش است و آن را ضرورت می‌پندارد.

در مثال (۳۱) فعل وجهی «باید» بیانگر الزام است، اما همین‌طور که پیام پیش می‌رود متوجه می‌شویم که معنای فعل وجهی در تضاد با سایر عناصر جمله است و به تدریج نشانه‌های کلیدی برای تفسیر وجهی مورد نظر نویسنده برای خواننده آشکار می‌شود.

(۳۱) باید همین امشب شروع کنم... بالاخره یک روز این کتاب را می‌نویسم، چه امشب چه شب بعد، چه هفته بعد، چه ماه بعد. سه سال است که دارم این داستان را شروع می‌کنم، سه سال است که منتظر اولین و بهترین فرصت هستم. سی و پنج سال چیزی نیست. نصف بیشتر عمرم باقی است (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۱۵۴).

بدین ترتیب، «باید» در جمله اول بیانگر الزام است. با وجود این الزام، خواننده احتمال انجام کار را در ابتدا زیاد در نظر می‌گیرد. جمله دوم با آنکه جمله خبری است، اما بیانگر احتمال است. اصطلاح «بالاخره» و «یک روز» بر احتمالی بودن این خبر می‌افزایند. «چه» نیز معنی شاید دارد و جمله را از حالت قریب‌الوقوع بودن به حالت التزامی نزدیکتر می‌کند. یعنی با بیان چهار «چه» این احتمال کم رنگتر به نظر می‌رسد. حتی جمله بعدی با نمود ناقص باز هم احتمال را ضعیف‌تر می‌کند. یعنی در این روند گوینده از الزام شروع می‌کند و با هر جمله احتمال را ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌کند. این بیانگر تأثیر بافت گفتمانی

در «وجه‌نمایی» است. انتخاب وجه‌نمایی مختلف نشان می‌دهد که گوینده نسبت به درستی و ضرورت آنچه گفته می‌شود چقدر متعهد است؛ یا آن امر چقدر برایش مطلوب یا نامطلوب است و در نهایت ارزیابی و احساس خود را نسبت به خوبی و بدی آن مسئله می‌رساند (فرکلاف، ۲۰۰۳، ص. ۱۶۴). در واقع، آنچه فرد را به متن متعهد می‌کند بخش مهمی از هویت او را می‌سازد و باعث شکل‌گیری هویت اوست. راوی این گونه می‌گوید:

(۳۲) در فکر کتابم هستم. همین هفته شروعش می‌کنم. دلم می‌خواهد می‌توانستم بروم. دلم می‌خواهد می‌توانستم بلند شوم و بگویم خدا حافظ. کاش مانده بودم خانه و داستانم را می‌نوشتم (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۱۴۱).

وجه‌نمایی جمله اول نشان‌دهنده افعال ذهنی است. جمله دوم قصد و نیت راوی برای شروع کتابش را می‌رساند. اما «دلم می‌خواهد» در جمله سوم وجه‌نمایی تمایلی را نشان می‌دهد و «می‌توانستم بروم» وجه‌نمایی پویاست. در ادامه وجه‌نمایی تمایلی و پویا تکرار می‌شود. قید وجه‌نمای «کاش» بیانگر وجه‌نمایی تمایلی است.

در ورای این جملات و با وجه‌نمایی تمایلی، هویت راوی برای خواننده آشکار می‌شود. امیدها، آرزوها و مقاصدش در تمایز با کار و مسئولیت روزمره آشکار می‌گردد. پس وجه‌نمایی به صورت تعهد فرد نسبت به جملات خبری که بیان می‌کند قابل ارزیابی است. اما این هویت فردی تحت تأثیر ارتباطات اجتماعی قرار می‌گیرد. چگونه فرد دنیا را می‌بیند و خود را متعهد می‌کند، میزان تعهد فرد به واقعیت چقدر است و این در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد.

(۳۳) کاش مجبور نبودم نصیحت کنم، امیدواری بدهم، مهربان و باملاحظه باشم ولی ده سال است که من یک دوست خوب و عاقل بوده‌ام، ده سال است که موافقت کرده‌ام، دلسوزی و راهنمایی کرده‌ام (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۱۴۲).

جملات اسنادی مثل «ده سال است» توجه خواننده را به جمله بعد معطوف می‌کند یعنی اهمیت «دوست خوب و عاقل» بودن را می‌رساند. اما این هویت نسبی است و وابسته به رابطه فرد با جهان و افراد دیگر است. شخصیت داستان کسی است که حدود نیمی از عمرش تصمیم دارد یک کتاب بنویسد، اما با وجود وجه‌نمایی تمایلی، با توجه به الزامات و تعهداتی که نسبت به دوست، خانواده و کار دارد آن را به تعویق می‌اندازد. انتخاب وجه‌نمایی نه تنها از نظر تعیین هویت بلکه از نظر کنش و روابط اجتماعی و نمادها اهمیت پیدا می‌کند. وجه‌نمایی در مرحله نخست، تعهد، نگرش، قضاوت، جایگاه، منزلت و بنابراین تعیین هویت است. در مرحله بعد، وجه‌نمایی با کنش، روابط اجتماعی و نماد ارتباط دارد. این ارتباط در مورد وجه هم صادق است. وجه در اساس به نوع کنش، نوع تبادل و کنش‌های گفتاری برمی‌گردد. از سویی دیگر، محدودیتهای اجتماعی در انتخاب وجه و وجه‌نمایی نقش دارد و فراتر از روابط اجتماعی در متن و گفتمان خاص است.

در داستان «خوشبختی» راوی زنی خانه‌دار است که هفت سال است ازدواج کرده و کاملاً مطیع همسر است. شخصیت‌های داستان زن، همسر، مادر و خانواده همسایه است. موقعیت داستان در خانه زن است.

(۳۴) من آدم خوشبختی هستم. هر روز، هر دقیقه، هر لحظه خوشبختم. به قول محمود «خوشبختی که شاخ و دم نداره، همین‌ه که هست» گاهی وقتها با خود فکر می‌کنم شاید خواب می‌بینم، خیال می‌کنم. فکر می‌کنم اینطور و اینقدر خوشبخت بودن ممکن نیست..... من فقط خوشبختم، از صبح تا شب خوشبختم. ولی آخرش چی؟ محمود می‌گوید «آخرش چی نداره، تو یه آدم واقعاً خوشبختی..... باید با این خوشبختی کاری کرد. کاش می‌توانستم بمیرم....» (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۳۳)

گوینده ابتدا با جمله خبری به طور قطعی بیان می کند که خوشبخت است، حتی در جمله بعد بر آن تأکید می کند. در جمله سوم با آوردن گواهنمایی (به قول محمود) قطعیت را پایین می آورد. بعد با وجه‌نمایی احتمالی-عاداتی (گاهی وقتها با خود فکر می کنم شاید خواب می بینم) و افعال ذهنی فکر کردن و خیال کردن این احتمال را کم رنگ تر می کند. سپس صفت وجهی «ممکن» با فعل ربطی و قطبیت منفی احتمال را ضعیف تر می کند (خیال می کنم. فکر می کنم اینطور و اینقدر خوشبخت بودن ممکن نیست). در ادامه گواهنمایی دیگر «محمود می گوید» با قید وجهی «واقعاً» و فعل کمکی وجهی اجباری تمایلی «باید» می آید که باز هم احتمال را ضعیف تر می کند. در نهایت وجه‌نمایی تمایلی (کاش) و وجه‌نمایی پویا (می توانستم) این احتمال را به صفر می رساند.

وجه‌نمایی تعهد راوی داستان به جملاتی است که بیان می کند. این جملات حدیث نفس راوی است. شخصیت داستان وجه جمله پرسشی را با سؤالات مختلف به کار می برد که نشان‌دهنده‌ی عزم متزلزل وی است.

(۳۵) بلند شوم چکار کنم؟ ... ولی آخرش چی؟ پدر من کی بود؟ ... بود و نبودش چه فرق می کرد؟ اگر محمود را پیدا نکرده بودم چه می شد؟ ... چقدر گوش بدهم؟ (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۳۳-۳۴)

بنابراین وجه جمله هم در شکل‌گیری شخصیت داستان نقش دارد و بیانگر شخصیت فردی و اجتماعی اوست. راوی همسری فرمانبردار است که با محیط اطرافش هیچ تعاملی ندارد و روابط اجتماعی او بسیار محدود است. حال آنکه ساختار هویتی در بستر روابط اجتماعی شکل می گیرد و وی فارغ از دنیا و روابط اجتماعی است.

(۳۶) ما هیچ کس را نمی بینیم. هیچ جا نمی رویم (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۳۶).
بیان وجه‌نمایی اجباری از طرف شوهر، تعامل بینافردی را به حداقل می رساند.

(۳۷) نباید وقت منو با حرفای بی معنی تلف کرد. نباید بی خود مزاحم شد (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۳۴).

سپس وجه‌نمایی تمایلی در تقابل با وجه‌نمایی اجباری قرار می‌گیرد.

(۳۸) از خیابان صدای جیغ می‌آید، صدای شیون دسته‌جمعی. می‌دوم کنار پنجره. می‌ایستم. نه، من نباید اهمیت بدهم، نباید نگاه کنم... دلم می‌خواهد بروم تو. نه خوشش نمی‌آید. نباید کاری کنم که اوقاتش تلخ شود... باید جایم را به آدم‌هایی مثل محمود بدهم. باید بگذارم آنها جای من و آنها را دیگر حرف بزنند (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۳۴-۳۷).

در نهایت، زن به این نتیجه می‌رسد که باید تعاملات اجتماعی خود را سروسامان دهد و تنها راه را ترک همسر می‌بیند.

(۳۹) بخودم می‌گویم که الان می‌روم، تا دیر نشده، تا هنوز فرصتی هست الان می‌روم و خودم را به آنها می‌رسانم. هفت سال است که از زندگی محروم شده‌ام. دیگر بس است. دلم می‌خواهد بیدارش کنم تا ببیند که دارم می‌روم... از خودم وحشت زده می‌پرسم کجا بروم؟ از کجا بدانم که به آنها می‌رسم، که هنوز بیرون از این اتاق برای من جایی هست؟ (ترقی، ۱۳۴۸، ص. ۴۴).

وجه جمله خبری به همراه قید «الان» قصد راوی را می‌رساند. بعد وجه‌نمایی تمایلی با «دلم می‌خواهد» و نمود ناقص «دارم می‌روم» تمایل راوی به ترک جایگاه خود را نشان می‌دهد. اما وجه جمله پرسشی در ادامه نشانگر امتناع از رفتن است.

«خانه‌ی پدری» بیانگر داستان زندگی دختر خانواده از کودکی تا جوانی و در نهایت درگذشت پدر است. در این داستان تقابل وجه جمله خبری و وجه جمله تعجبی قابل تأمل است.

(۴۰) پدر مطمئن است که روزها (آنها) روزهای گرم تابستان! سرگرم یاد گرفتن زبان انگلیسی هستیم (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۱).

در مثال فوق از وجه‌نمایی احتمالی-عادت‌ی با صفت وجهی « مطمئن » استفاده شده است که به نظر قطعی است اما نویسنده با آوردن یک جمله تعجبی در آن میان، عدم وجود آن قطعیت را بیان می‌کند. در مثال زیر هم یک جمله سؤالی این کار را انجام می‌دهد.

(۴۱) اجازه داریم بعد از خواندن درس انگلیسی (کدام درس؟) در استخر شنا کنیم (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۱).

جمله خبری مثال (۴۲) با افزوده وجهی « هرگز » آمده است که بیانگر وجه‌نمایی عادت‌ی است اما در پایان داستان این جمله نفی می‌شود.

(۴۲) من فولادم و فولاد هرگز زنگ نمی‌زند (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۷۶).

در عین حال، وجه‌نمایی اجباری در گفته‌های پدر برای بیان توصیه پدر به فرزندان استفاده می‌شود.

(۴۳) « کره‌خراها باید به خارج بروند، روی پای خودشان بایستند و آدم شوند. » (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۷۶)

(۴۴) کره‌خراها باید کار کنند: کار، کار، کار، کار، کره‌خراها باید آدم شوند، روی پای خودشان بایستند، ... (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۷)

در مثال (۴۴)، کار، رفتن به خارج، استقلال مالی و رشد شخصیتی با وجه‌نمایی اجباری بیان می‌شود. نصیحت پدر برای دختر هم جالب توجه است. وجه‌نمایی تمایلی با جمله « هر کار دلت می‌خواهد بکن » و به دنبال آن وجه‌نمایی اجباری با قطبیت منفی « فقط نگذار » نشان دهنده نظر پدر نسبت به اطاعت بی‌چون و چرای زنان است.

(۴۵) هر کار دلت می‌خواهد بکن فقط نگذار چون که زن هستی تو سرت بزنند (ترقی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۴).

بنابراین برای درک معنای وجه و وجه‌نمایی باید به بافت زبانی و فرازبانی توجه داشت. در عین حال برای تحلیل متون بررسی وجه و وجه‌نمایی گفتمان بسیار اهمیت دارد.

۶- نتیجه

بررسی نمونه‌های دارای عناصر وجهی در این چهار اثر نشان می‌دهد برای تحلیل وجه و وجه‌نمایی بافت زبانی و فرازبانی باید مورد توجه قرار گیرد. وجه و وجه‌نمایی منظور و مقصود گوینده را می‌رساند و معنای وجهی در بافت گفتمان و در تعامل با لایه‌های معنایی مرتبط شکل می‌گیرد. معنای ذاتی کلمات وجهی، ترکیب این معنا با سایر عناصر جمله و در نهایت بافت کاربردشناسی آن در تعیین معنای وجهی نقش دارد. بدین ترتیب، بافت موقعیتی گفتمان نقش بسزائی در تمایز معانی گوناگون عناصر وجهی دارد و تنها در بافت زبانی و فرازبانی می‌توان به عمق معنا و منظور گوینده یا نویسنده پی برد. چون بافت زبانی و فرازبانی یک خوانش را برجسته می‌کند. یعنی صرفاً نمی‌توان به صورت عنصر وجهی بسنده کرد و صورت هر عنصر وجهی به عنوان بخشی از بافت زبانی از میان بیش از یک خوانش خارج از بافت، خوانش مد نظر نویسنده یا گوینده را برجسته می‌کند.

سپاسگزاری

از کلیه اساتید گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی کمال تشکر را دارد.

۷- منابع:

اخلاقی، فریار. (۱۳۸۶). بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز. دستور، ۱۳۱/۳، ۸۶-۸۲. تهران.

ایلخانی‌پور، نگین. (۱۳۹۴). صفات وجهی در زبان فارسی. تهران: نشر مرکز.

- باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۳). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). استعمال باید در فارسی امروز. مسائل زبان‌شناسی نوین: ده مقاله. تهران: آگاه.
- بیگلری، فاطمه. (۱۳۸۳). کاربرد فعل‌های وجهی در گونه‌های مختلف فارسی امروز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ترقی، گلی. (۱۳۴۸). من هم چه گوارا هستم. تهران: انتشارات مروارید.
- ترقی، گلی. (۱۳۷۹). جایی دیگر. تهران: انتشارات مروارید.
- ترقی، گلی. (۱۳۸۱). دودنیا. تهران: انتشارات مروارید.
- ترقی، گلی. (۱۳۹۷). بازگشت. تهران: انتشارات مروارید.
- حجت‌الله طالقانی، آریتا. (۱۳۹۳). وجه، نمود و نفی در زبان فارسی. ترجمه مهین ناز میردهقان، آذردخت جلیلیان، زهرا فرخ نژاد. تهران: نشر نویسه پارس.
- داوری، شادی و غزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۹۶). افعال دستوری‌شدگی معین در زبان فارسی: رویکرد. تهران: نشر نویسه.
- رحیمیان، جلال و عموزاده، محمد. (۱۳۹۲). افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت. پژوهشهای زبانی، ۴۰-۴۱، ۴۰-۴۱.
- رضایی، حدائق. (۱۳۸۸). وجهیت و زمان دستوری در زبان فارسی: با تأکید بر فیلم‌نامه‌های فارسی. رساله دکتری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شیران، لیلا. (۱۳۸۱). وجه فعلی در فارسی امروز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عموزاده، محمد و حدائق رضایی. (۱۳۸۹). ابعاد معناشناختی «باید» در زبان فارسی. پژوهشهای زبانی، سال اول، شماره ۱، ۷۵-۵۷.
- گلفام، ارسلان. (۱۳۸۶). اصول دستور زبان. تهران: سمت.
- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی. ترجمه مهدی سمائی، تهران: نشر مرکز.
- همایونفر، مژگان. (۱۳۹۲). وجه و تاثیر آن بر نظام فعل. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علامه طباطبائی.

References

- Bybee, J. & Fleischman, S. (1996). *Modality in Grammar and Discourse*. Amsterdam: John Benjamins.

- Coates, J. (1983). *The Semantics of the Modal Auxiliaries*. London: CroomHelm.
- Fairclough, N. (2003). *Analyzing Discourse*. London: Routledge.
- Frawley, W. (2005). *The Expression of Modality*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Halliday, M.A.K. & Matthiessen, C. (2014). *An Introduction to Functional Grammar*. N.Y.: Routledge.
- Hansen, B. (2005). *Modals in the Languages of Europe*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Narrog, H. (2005). "On defining modality again". *Language Sciences* 27(2). pp. 165-192.
- Nuyts, J. (2001). *Epistemic Modality, Language, and Conceptualization*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Compa
- Nuyts, J. & Van Der Auwera, J. (2016). *The Oxford Handbook of Mood and Modality*. Oxford: Oxford University Press.
- Palmer, F. (2001). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press
- Perkins, M. R. (1983). *Mood and Modality*. London: Pinter
- Portner, P. (2018). *Mood*. New York: Oxford University Press
- Reis, M. (1999). "On sentence types in German: An enquirer into the relationship between grammar and pragmatics," *IJGLSA* (2). pp. 195-236.
- Van der Auwera, J. (1996). "Modality: the three-layered scalar square". *Journal of Semantics* (13). pp. 181-195
- Van der Auwera, J. & Plungian, V. (1998). "Modality's semantic map". *Journal of Linguistic Typology* (2.1). pp. 79-124
- Wilson, D. & Sperber, D. (1996). "Representation and relevance" in Kempson's *Mental Representations*. Cambridge: Cambridge University Press. pp. 133-153.
- Rezaei, h. & Amouzadeh, M. "Persian modal verbs and the expression of modality". *Language Research*. 21. pp. 1-40. [In Persian]
- Bateni, M.R. (1984). *The description of Persian Grammatical Structures*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Bateni, M. (2008). "The Use of 'Must' in Today's Persian." *Modern Linguistic Problems*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Biglari, F. (2004). *Modal Application in Today's Persian* (Master Degree Dissertation). Tehran: Allameh Tabatabae University. [In Persian]
- Davari, S. & Naghzgooyekohan, M. (2017). *Modals in Persian: A Grammaticalized Approach*. Tehran: Neviseh. [In Persian]

- Golfam, A. (2007). *Principles of Grammar*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Hojat Taleghani, A. (2014). *Mood, Aspect and Negation in Persian*. Tehran: Nevis. [In Persian]
- Homayonfar, M. (2012). *Mood and Its Impact on Verbal System*. Ph. D. Dissertation. Tehran: Allameh Tabatabae University. [In Persian]
- Ilkhanipour, N. (2015). *Modal Adjectives in Persian*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Koohkan, S. (2018). *Typology of Modals in Iranian Languages*. Tehran: Tarbiat Modarresi University. [In Persian]
- Lazard, G. (1995). *Contemporary Persian Grammar*. Tehran: Hermès. [In Persian]
- Mahootian, Sh. (1998). *Persian Grammar*. Tehran: Markaz Publication. [In Persian]
- Meshkatodini, M. (2000). *Persian Grammar Based on Transformational Theory*. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian]
- Rahimi, H. (2010). *Modality and Grammatical Tense in Persian*. Ph. D. Dissertation. Isfahan: Isfahan University. [In Persian]
- Taraghi, G. (1968). *I'm Che Guevara, too*. Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Taraghi, G. (2000). *Somewhere Else*. Tehran: Niloofar. [In Persian]
- Taraghi, G. (2002). *Two Worlds*. Tehran: Niloofar. [In Persian]
- Taraghi, G. (2019). *Return*. Tehran: Niloofar. [In Persian]